

An offensive approach in confronting theological doubts

Abdolrahim Rezapour^{*} / Mahmoud Amirian^{**}

Recived Date: 2026/04/20

Accepted Date: 2026/06/22

Abstract

In the current context, where organized intellectual and doctrinal attacks—backed by unprecedented media and technological support—target the religious fabric of Muslim societies, especially elites and the younger generation, relying solely on classical defensive methods does not guarantee an effective and preemptive response to theological doubts (shubuhāt). This research, employing a descriptive-analytical method based on library and documentary study, critically examines prevalent approaches and seeks to elucidate the necessity, theoretical foundations, operational mechanisms, and strategic models for transitioning toward an active, systematic offensive approach in confronting theological doubts.

The central hypothesis of this article is that institutions engaged in the production of religious thought, by adopting a proactive and innovative stance, can not only neutralize waves of doubt-mongering but also penetrate the intellectual foundations of adversarial currents and take control of the ideological battlefield. The research findings indicate that an effective offensive approach is not merely an emotional or rhetorical reaction; rather, it is a systematic framework comprising components such as: profound enemy-recognition (dushman-shenāsī), methodical insight-enhancement (baṣīrat-afzāyī), theological foresight, the production of cogent rational and transmitted proofs according to contemporary academic standards, the identification and targeting of hubs that generate doubts, and the maximum, intelligent utilization of modern communication tools. Historical and contemporary models of offensive engagement, along with institutional requirements and macro-strategies, offer an operational framework for institutionalizing this approach.

Keywords: *Theological Doubts (Shubuhāt), Offensive Approach, Active Doctrinal Defense, Ideological Soft War, Cultural Invasion, Theological Discourse-Making, Scholarly Debate.*

DOI: <https://doi.org/10.22034/ssr.2026.587980.1098>

^{*} PhD in Theological Schools of Thought (Kalam), University of Religions and Islamic Denominations, Qom, Iran (Javad.rezapour@yahoo.com).

^{**} Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Malayer, Iran (Corresponding Author) (m.amirian@malayeru.ac.ir).

المقاربة الهجومية في مواجهة الشبهات الكلامية

عبدالرحيم رضاپور* / محمود اميريان**

القبول: ١٤٤٨/٠١/٠٧

الإستلام: ١٤٤٧/١١/٠٢

الملخص

في الظروف الراهنة التي تستهدف فيها الهجمات الفكرية والعقائدية المنظمة، المدعومة بوسائل إعلامية وتكنولوجية غير مسبقة، كيان الإيمان في المجتمعات الإسلامية، ولا سيما النخبة والجيل الشاب، فإن الاعتماد المجرد على الأساليب الدفاعية التقليدية في الرد على الشبهات الكلامية لا يضمن مواجهة فعّالة واستباقية. يسعى هذا البحث، باتباع المنهج الوصفي التحليلي والاعتماد على الدراسة المكتبية والوثائقية، وبعين ناقدة للأساليب السائدة، إلى بيان ضرورة، والأسس النظرية، والآليات التنفيذية، والنماذج الاستراتيجية للانتقال إلى مقاربة هجومية نشطة ومنظمة في مواجهة الشبهات الكلامية.

ترتكز الفرضية المحورية للمقال على أن مؤسسات إنتاج الفكر الديني، باتخاذها موقفًا استباقيًا ابتكاريًا، يمكنها ليس فقط تحييد موجات التضليل وإثارة الشبهات، بل أيضًا اقتحام قلب الأسس الفكرية للتيارات المعادية، والاستيلاء على ساحة المعركة العقائدية. تؤكد نتائج البحث أن المقاربة الهجومية الفعّالة ليست مجرد رد فعل كلامي عاطفي، بل هي منظومة منهجية من عناصر تشمل: العمق في معرفة العدو، وزيادة البصيرة بطريقة منهجية، واستشراف المستقبل الكلامي، وإنتاج الحجج العقلية والنقلية الرصينة وفق معايير معرفية معاصرة، وتحديد واستهداف مراكز توليد الشبهات، والاستخدام الأقصى والذكي لأدوات الاتصال الحديثة. تقدم النماذج التاريخية والمعاصرة للمواجهة الهجومية، بالإضافة إلى طرح المتطلبات المؤسسية والاستراتيجيات الكلية، إطارًا عمليًا لإضفاء الطابع المؤسسي على هذا النهج.

إن الحصيلة النهائية لهذا البحث هي تقديم نموذج نظري-عملي لتعزيز الصمود العقائدي للمجتمع وتحويل التهديدات الفكرية إلى فرصة لنشر وتعميق الخطاب الإسلامي الأصيل على المستوى الدولي.

الكلمات المفتاحية: الشبهات الكلامية، المقاربة الهجومية، الدفاع العقائدي النشط، الحرب الناعمة العقائدية، الغزو الثقافي، صناعة الخطاب الكلامي، المناظرة العلمية.

DOI: <https://doi.org/10.22034/ssr.2026.587980.1098>

* دكتوراه في المذاهب الكلامية، جامعة الأديان والمذاهب الإسلامية بقم، قم، إيران
(Javad.rezapour@yahoo.com).

** أستاذ مساعد، قسم اللاهوت والعلوم الإسلامية، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة ملاير، ملاير، إيران
(المؤلف المسؤول) (m.amirian@malayeru.ac.ir).

رویکرد تهاجمی در مواجهه با شبهات کلامی

عبدالرحیم رضاپور* / محمود امیریان**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۳۱ تاریخ تأیید: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

چکیده

در شرایط کنونی که هم‌جه‌های سازمان‌یافته فکری و اعتقادی با پشتوانه‌های رسانه‌ای و تکنولوژیک بی‌سابقه، کین ایمانی جوامع مسلمان به‌ویژه نخبگان و نسل جوان را نشانه رفته است، تکیه صرف بر روش‌های تدافعی کلاسیک در پاسخ به شبهات کلامی، رویارویی مؤثر و پیشگیرانه را تضمین نمی‌کند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی، درصدد است با نگاهی نقادانه به شیوه‌های رایج، ضرورت، مبانی نظری، سازوکارهای عملیاتی و الگوهای راهبردی گذار به یک رویکرد تهاجمی فعال و نظام‌مند را در مواجهه با شبهات کلامی تبیین نماید. فرضیه محوری مقاله بر این اصل استوار است که نهادهای تولید اندیشه دینی، با اتخاذ موضعی پیش‌دستانه و مبتکرانه، می‌توانند ضمن خنثی‌سازی امواج شبهه‌افکن، به قلب مبانی فکری جریان‌های معاند یورش برده و صحنه نبرد عقیدتی را به تسخیر خویش درآورند. یافته‌های پژوهش مؤید آن است که رویکرد تهاجمی کارآمد، صرفاً یک واکنش احساسی کلامی نیست، بلکه منظومه‌ای نظام‌مند از مؤلفه‌هایی چون دشمن‌شناسی عمیق، بصیرت‌افزایی روش‌مند و آینده‌نگاری کلامی، تولید ادله متقن عقلی و نقلی با استانداردهای دانشی روز، شناسایی و هدف‌گیری کانون‌های شبهه‌سازی و بهره‌گیری حداکثری و هوشمند از ابزارهای ارتباطی نوین است. الگوهای تاریخی و معاصر مواجهه تهاجمی و نیز طرح الزامات نهادی و راهبردهای کلان، چارچوبی عملیاتی برای نهادینه‌سازی این رویکرد ارائه می‌دهد. دستاورد نهایی این پژوهش، ارائه یک مدل نظری-عملی برای ارتقا تاب‌آوری اعتقادی جامعه و تبدیل تهدیدهای فکری به فرصتی برای بسط و تعمیق گفتمان ناب اسلامی در عرصه بین‌المللی است.

واژگان کلیدی: شبهات کلامی، رویکرد تهاجمی، دفاع فعال عقیدتی، جنگ نرم اعتقادی، تهاجم فرهنگی، گفتمان‌سازی کلامی، مناظره علمی.

DOI: <https://doi.org/10.22034/ssr.2026.587980.1098>

* دکتری مذاهب کلامی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم، قم، ایران (Javad.rezapour@yahoo.com).

** استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران (نویسنده مسئول) (m.amirian@malayeru.ac.ir).

در جهان چندصدایی امروز، منظومه اعتقادات اسلامی به عنوان یک سیستم زنده و پویای معرفتی، همواره در معرض پرسش‌ها، نقدها و نیز تهاجمات برنامه‌ریزی شده قرار داشته است. آنچه در عصر حاضر این مواجهه را به مراتب پیچیده‌تر و خطرتر ساخته، ظهور «شباهات کلامی نوپدید» است که با بهره‌گیری از دستاوردهای پیچیده علوم انسانی جدید، فلسفه‌های مضاف، پارادایم‌های پست‌مدرن و شبکه‌های ارتباطی فراگیر و بی‌مرز، نه تنها در محافل آکادمیک نخبگانی، که در متن جامعه و برای عموم مردم به‌ویژه نسل جوان و نوجوان دیجیتال مطرح می‌گردد. فضای نبرد نرم اعتقادی امروز، بسیار متفاوت از گذشته است؛ سرعت انتشار، عمق نفوذ و تنوع قالب‌های شبهه، پاسخ‌های سنتی و منفعلانه را عملاً بی‌اثر یا کم‌اثر ساخته است. در این میان، شیوه‌های متداول پاسخ‌گویی که عمدتاً ماهیتی «تدافعی-واکنشی» و «انفعالی» دارند، در بسیاری از موارد از کارایی لازم برخوردار نیستند. این روش‌ها اغلب پس از طرح، شیوع و حتی رسوب شبهه در اذهان، وارد عمل شده و در بهترین حالت به «رفع اشکال» می‌پردازند، بدون آن‌که توان «پیش‌گیری»، «کنترل گفت‌وگو» و «مهار آسیب‌های گسترده» را داشته باشند؛ از این رو پرسش اصلی و محوری این مقاله آن است که «با توجه به ناکارآمدی نسبی پاسخ‌های صرفاً تدافعی در فضای پیچیده کنونی، الگوی مطلوب، نظام‌مند و علمی «رویکرد تهاجمی» در مواجهه با شباهات کلامی، دارای چه مبانی نظری، اصول روش‌شناختی، مؤلفه‌های عملیاتی، ارکان ساختاری و الگوهای تجربی است و چگونه می‌توان آن را در نهادهای دینی و آموزشی نهادینه و اجرایی کرد؟

اهداف این تحقیق را می‌توان در دو سطح نظری و عملی به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

الف) اهداف نظری

تبیین مفهومی، تمایزگذاری و تعریف عملیاتی «رویکرد تهاجمی» در حوزه کلام اسلامی و تمایز آن از مفاهیم مشابه، اما نادرستی مانند پرخاشگری، مجادله بی‌ثمر یا تقابل غیرمنطقی. واکاوی علل، زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و تکنولوژیک ضرورت گذار از مواجهه تدافعی محض به رویکرد فعال و تهاجمی در عصر حاضر با استناد به داده‌های علوم ارتباطات و جنگ نوین.

استخراج، تشریح و نظام‌مندسازی مؤلفه‌های کلان، اصول راهبردی، شاخص‌های ارزیابی و ویژگی‌های ممیزه یک رویکرد تهاجمی کارآمد، مسئولانه و مبتنی بر اخلاق اسلامی. تدوین چارچوب نظری جامع برای «کلام تهاجمی» به عنوان شاخه‌ای از کلام کاربردی.

ب) اهداف عملی و کاربردی:

شناسایی، استخراج و تحلیل الگوهای موفق تاریخی، متقدم و متأخر از مواجهه تهاجمی با شبهات کلامی در سیره معصومین (علیهم السلام)، علمای سلف و معاصران.

ارائه راهکارهای عملی، نهادی، آموزشی و رسانه‌ای برای اجرایی‌سازی و نهادینه کردن این رویکرد در ساختار حوزه‌های علمیه، مراکز پژوهشی دینی و نهادهای فرهنگی.

طراحی مدل عملیاتی برای پاسخ‌گویی تهاجمی به شبهات در فضای واقعی و مجازی.

ارائه پیشنهاداتی برای بازنگری در سرفصل‌های درسی و روش‌های تربیتی طلاب در راستای تربیت مبلغان تهاجم‌اندیش.

در زمینه کلیات «شبهه و پاسخ‌گویی» آثار متعدد و ارزشمندی در سنت اسلامی تألیف شده است و پیشینه بیش از هزار ساله دارد؛ کتاب‌های کلامی که در رد و نقد اندیشه‌های مخالفان نگاشته شده است بسیار است که از جمله آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. **النَّقْضُ** (بعض مَثَالِبُ النَّوَاصِبِ فی نقض

بعض فضائِحِ الرِّوَاغِضِ) اثر عبدالجلیل قزوینی رازی، از متکلمان سده ششم قمری، در رد اتهامات

مخالفان شیعه و نقد کتاب **بعض فضائِحِ الروافضِ**، ۲. **إِحْقَاقُ الْحَقِّ وَ إِرْهَاقُ الْبَاطِلِ** نوشته قاضی نورالله شوشتری (۱۰۱۹ق) در رد کتاب **ابطال نهج الباطل** و اهمال کشف العاطل، نوشته

فضل‌الله بن روزبهان، ۳. **مِنْهَاجُ الرَّشَادِ لِمَنْ أَرَادَ السَّدَادَ** نوشته جعفر کاشف‌الغطاء (۱۱۵۶-

۱۲۲۸ق) در نقد اندیشه‌های وهابیان، ۴. **عَبَقَاتُ الْأَنْوَارِ فی امامة الائمة الاطهار** نوشته

میرحامد حسین هندی (۱۳۰۶ق) در پاسخ به بخشی از کتاب **تُحْفَةُ إِثْنَا عَشْرِيَّة**، ۵. **الْهُدَى إِلَى**

دین المصطفی اثر محمدجواد بلاغی (۱۳۵۲ق) در رد برخی باورهای مسیحیت و یهودیت

پیرامون عقاید اسلامی و قرآن کریم، ۶. **نَقْضُ الْوَشِيعَةِ** نوشته سیدمحسن امین (۱۳۷۱ق) در نقد

ادعاهای موسی جارالله در کتاب **الوشیعه**، ۷. **كَشْفُ الْإِزْتِيَابِ فِي أَتْبَاعِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ**

کتابی در نقد عقاید وهابیت نوشته سیدمحسن امین عاملی (۱۳۷۱ق)، ۸. **دَلَائِلُ الصَّدَقِ لِنَهْجِ**

الْحَقِّ تألیف محمدحسن مظفر (۱۳۷۵ق) نقد دیدگاه‌های فضل‌بن‌روزبهان خنجی در کتاب

ابطال الباطل، ۹. **آیین وهابیت** نوشته جعفر سبحانی و شیعه پاسخ می‌گوید تألیف ناصر مکارم

شیرازی در نقد و بررسی عقاید وهابیت و سلفیه، ۱۰. **الگوی قرآنی پاسخ به شبهات اعتقادی**،

نوشته داوود افقی که به ارائه الگوی قرآنی در پاسخ به شبهات پرداخته و ۱۱. **مجموعه نقد و**

بررسی شبهات کلاسیک کلامی، نوشته محمدحسن قدردان قراملکی که یک مجموعه در پنج

دفتر با عناوین توحید، نبوت، اسلام و آموزه‌های آن، امامت و معاد تدوین شده است.

مقالاتی نیز در این زمینه به نگارش در آمده‌اند که عبارت‌اند از «الگوی گفت‌وگو و تعامل در

پاسخ‌گویی به شبهات در شرایط کنونی» اثر احد فرامرز قراملکی، «روش‌شناسی پاسخ به شبهات در اندیشه و آثار علامه طباطبائی رحمته الله علیه و نگاهی به برخی از پاسخ‌های ایشان به شبهات» اثر امیرعلی حسنلو و حمید کریمی و «بایسته‌های گفتاری-رفتار پاسخ به شبهات در سیره رضوی» اثر حسن خرقانی و البرز محقق‌گرمی. همچنین در حوزه «تهاجم فرهنگی» و «جنگ نرم» نیز مقالات و کتب فراوانی در سال‌های اخیر نگاشته شده است، اما نکته حائز اهمیت، خلأ پژوهشی آشکار در تدوین یک «الگوی نظام‌مند، همه‌جانبه، بین‌رشته‌ای و عملیاتی» با عنوان «رویکرد تهاجمی در مواجهه با شبهات کلامی» است. اغلب آثار موجود، یا به کلیات فلسفی و کلامی پرداخته‌اند، یا مصداق‌محور و موردی بوده‌اند و یا صرفاً به جنبه‌های رسانه‌ای توجه کرده‌اند. اثر مستقلى که با نگاهی سیستمی، هم‌زمان ابعاد نظری (کلامی، فلسفی و ارتباطی)، ابعاد عملیاتی (روش‌شناختی، رسانه‌ای و نهادی) و ابعاد راهبردی (مدیریتی و برنامه‌ریزی) را پوشش دهد، مشاهده نمی‌شود. این مقاله درصدد است با پرکردن نسبی این خلأ علمی، الگویی ارائه دهد که هم بعد نظری و فلسفی، هم بعد عملی-اجرایی و هم بعد نهادی-ساختاری را پوشش داده و به نیاز حوزه‌های علمیه و نهادهای فرهنگی برای داشتن یک سند راهبردی عملی پاسخ گوید.

روش این مقاله، «توصیفی-تحلیلی» با رویکرد «توسعه‌ای-کاربردی» است. گردآوری اطلاعات به شیوه «کتابخانه‌ای-اسنادی» و با مراجعه نظام‌مند به منابع دسته‌اول کلامی، آثار معاصر در حوزه علوم ارتباطات، رسانه و روان‌شناسی اجتماعی انجام شده است. همچنین از تحلیل محتوای سخنان رهبران فکری و بیانات دانشمندان کلامی معاصر به‌عنوان چارچوب نظری کلان و منبع الهام‌بخش راهبردی بهره گرفته شده است. یکی از محدودیت‌های پژوهش، گستردگی موضوع و میان‌رشته‌ای بودن آن است که احاطه بر تمامی جوانب را دشوار می‌سازد. محدودیت دیگر، کمبود منابع مستقیم با این عنوان در ادبیات علمی فارسی و عربی است که نیازمند استنتاج از لایه‌لای متون مختلف بود.

۱. مفهوم‌شناسی و مبانی نظری

۱-۱. مفهوم‌شناسی «شبهه» با تأکید بر شبهه کلامی

«شبهه» در لغت از ریشه «شَبَه» به معنای مشابَهت، اشتباه و امتزاج گرفته شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۰۴؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۴۳). در اصطلاح کلامی به امری گفته می‌شود که به‌سبب مشابَهت ظاهری با حق، تشخیص آن از باطل دشوار یا ناممکن گردد.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ؛ وَ نَه او [حضرت عیسی (علیه السلام)] را کشتند و نه به دار کشیدند، بلکه امر بر آن‌ها مشتبه شد» (نساء، ۱۵۷). شبهه در حوزه اعتقادات، به‌ویژه در دانش کلام، به پرسش، مدعا یا استدلالی گفته می‌شود که یا خود ناشی از اشتباه در فهم، نقص در مقدمات یا خلط مباحث است، یا عمداً و با غرض و نیت سوق دادن مخاطب به تردید، به قصد ایجاد رخنه در اصول یا فروع اعتقادی یک مکتب طرح می‌گردد. شبهه کلامی می‌تواند متوجه اصول دین یا مسائل پیرامونی و فروع اعتقادی (مانند عصمت، علم غیب، شفاعت، توسل، بداء، رجعت و غیبت) باشد. تفاوت بنیادین «شبهه» با «سؤال حقیقی» در نیت، کارکرد و گاه در شیوه طرح آن است؛ سؤال در جست‌وجوی کشف حقیقت است و سائل، حالت انفعالی در برابر جواب دارد، اما شبهه در پی مشتبه‌سازی، ایجاد تزلزل و اغواگری فکری است و شبهه‌گر معمولاً موضعی تهاجمی و اغلب غیرمنصفانه دارد (سجادی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۰۳۷). امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) این تمایز را به‌روشنی بیان می‌کنند: «وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ الشُّبُهَةُ شُّبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ؛ شبهه را برای این شبهه نامیدند که به‌حق شباهت دارد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۶۱). همچنین از دیدگاه روان‌شناسی شناختی، شبهه از «خطاها و سوگیری‌های شناختی» (Cognitive Biases) مانند کلی‌سازی شتاب‌زده، استدلال هیجانی و مغالطه سرچشمه می‌گیرد یا آن‌ها را تشدید می‌کند (Liden, 2018, p 45).

۲-۱. مفهوم‌شناسی «تهاجم» و «رویکرد تهاجمی»

«تهاجم» در لغت از ریشه «هَجَمَ» به‌معنای هجوم آوردن، حمله کردن ناگهانی و قهری است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۹۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۶۰۰؛ بستانی، ۱۳۷۵، ص ۲۶۸). کلمه «تهاجم» از واژه‌هایی است که از نظر لغوی معنای مشارکت طرفینی دارند، ولی این معنا مراد نیست و حتی در استعمالات رایج عرف نیز، به‌معنی هجوم یک‌طرفه آمده است. فرهنگ مهاجم، یک فرهنگ سلطه‌جو است که با اهداف خاصی در جهت بسط سیطره خود، برنامه‌ریزی و تلاش می‌کند و همان‌گونه که سردمداران و اندیشه‌گران کنونی آن اظهار کرده‌اند قصد دارد که جهان را به «دهکده واحد جهانی» براساس مبانی و ارزش‌های اومانیستی مبدل سازد؛ بنابراین معنی تهاجم با غافلگیری و تحمیل توأم است (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۲۲). در عرصه فرهنگی و اعتقادی، «تهاجم فرهنگی» (Cultural Aggression) به‌معنای هجوم برنامه‌ریزی شده، سازمان‌یافته و بلندمدت یک جریان، حکومت یا ابرشرکت فراملی، برای تضعیف، تحریف، استحاله یا جایگزینی فرهنگ، باورها، ارزش‌ها و هویت یک جامعه هدف، با اغراض سیاسی، اقتصادی یا ایدئولوژیک

است. آیت الله مصباح یزدی رحمته الله علیه در تعریف تهاجم فرهنگی می‌فرماید: «منظور از هجوم فرهنگی آن است که جامعه‌ای تلاش کند که فرهنگ خودش را بر جامعه دیگری که طبعاً دارای فرهنگی خاص می‌باشد تحمیل کند یا دست‌کم، نوعی دگرگونی در فرهنگ آن جامعه به‌وجود آورد (همان، ۱۳۸۱، ص ۷۱). ایشان در جای دیگری با توجه به ساحت‌های مختلف دگرگونی (شناخت‌ها و باورها، ارزش‌ها و گرایش‌ها و رفتارها و کردارها) تهاجم فرهنگی را این‌گونه تعریف می‌کند: «منظور از هجوم فرهنگی در جامعه این است که شناخت‌های مردم جامعه را نسبت به جهان و انسان و ارزش‌هایی که به آن‌ها دل بسته‌ایم و شیوه رفتار فردی و اجتماعی‌مان را به‌گونه‌ای که به نفع خودشان باشد تغییر دهند (همان، ص ۷۳). آیت‌الله خامنه‌ای نیز با تعریف دقیق و جامعی فرموده‌اند: «تهاجم فرهنگی به این معنی است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسیر کردن یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برند. آن‌ها هم چیزهای تازه‌ای را وارد این کشور و ملت می‌کنند، اما به زور و به قصد جایگزین کردن آن‌ها با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۷۱/۰۵/۲۱). «تهاجم کلامی و الهیاتی» (Theological Aggression) نیز زیرمجموعه و شاخه‌ای تخصصی‌تر و خطرناک‌تر از همین مفهوم کلی است و به معنای حمله سازمان‌یافته به مبانی، گزاره‌ها و نظام استدلالی اعتقادی یک مکتب، از طریق شبهه‌افکنی نظام‌مند، تولید ادبیات انتقادی جهت‌دار، ترویج قرائت‌های انحرافی (هرمنوتیک سوء) و استفاده از روش‌های روان‌شناختی و رسانه‌ای برای ایجاد شک، بی‌اعتمادی و در نهایت، گسست اعتقادی است. این تهاجم، امروزه در قالب «جنگ اعتقادی» (Doctrinal Warfare) به‌عنوان جزئی از جنگ ترکیبی (Hybrid Warfare) شناخته می‌شود (Hoffman, 2007, p 28).

«رویکرد تهاجمی» (Offensive Approach) نه به معنای پرخاشگری کلامی یا مجادله بی‌حاصل، بلکه به‌عنوان یک الگوی کنشی فعال، راهبردی، نظام‌مند و مبتنی بر برنامه‌ریزی تعریف می‌شود که در برابر شبهات کلامی، منفعلانه منتظر طرح، گسترش و رسوب شبهه نمی‌ماند، بلکه با درک عمیق و همه‌جانبه از صحنه نبرد فکری، اقداماتی پیش‌دستانه، مبتکرانه، اثرگذار و جهت‌دهنده را طراحی و اجرا می‌کند. این رویکرد دارای سه سطح متمایز است:

۱) تدافعی تهاجمی: در این سطح ارائه پاسخ قاطع، براندازنده، سریع و مستدل به شبهات بالفعل مطرح شده، به‌گونه‌ای که نه تنها شبهه را بزداید، بلکه موضع طرف مقابل را تضعیف کند.

۲) تهاجمی پیشگیرانه: در این سطح اقدام قبل از وقوع حمله فکری، از طریق واکسینه‌سازی

اعتقادی جامعه، تولید محتوای مصونیت‌بخش، افشای نیات و روش‌های دشمن و خنثی‌سازی زمینه‌های پیدایش شبهه است.

۳) تهاجمی گفتمان‌ساز و ابتکارآمیز: در این سطح که عالی‌ترین مرتبه رویکرد تهاجمی محسوب می‌شود، ایجاد، هدایت و تسلط بر گفتمان مسلط در عرصه اعتقادات، تعیین مفاهیم محوری، چارچوب بحث و پرسش‌های اساسی و حمله متقابل به مبانی فکری سست و متناقض جریان‌های شبهه‌ساز را دربردارد.

رویکرد تهاجمی دارای اهداف کلانی نیز است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- پیشگیری و مصونیت‌بخشی: واکسینه‌سازی فکری جامعه هدف به‌ویژه نسل جوان در برابر شبهات بالقوه و بالفعل.
- کنترل و مهار گفتمان: به‌دست گرفتن ابتکار عمل در تعیین چارچوب، مفاهیم محوری، واژگان و سؤال‌های اساسی در فضای گفت‌وگوی اعتقادی.
- نفوذ و اثرگذاری تهاجمی: حمله به مبانی فکری سست و متناقض جریان‌های شبهه‌ساز و افشای ناکارآمدی، تناقضات درونی و پیامدهای ویرانگر اندیشه آنان.
- تقویت و تحکیم درونی: استحکام‌بخشی به خاکی‌های اعتقادی خودی از طریق تولید ادله متقن، عرضه جذاب و همه‌فهم معارف و تقویت اعتماد به‌نفس دینی.
- بازدارندگی فکری: ایجاد هزینه برای دشمن تا جرئت و توان تهاجم فکری مجدد را از دست بدهد.

۳-۱. مبانی فلسفی و کلامی مشروعیت رویکرد تهاجمی

این رویکرد، بر چند مبنا و اصل پذیرفته شده در فلسفه دین و کلام اسلامی استوار است:

۱. اصل دفاع از حریم عقیده: دفاع اصلی تکوینی در نظام آفرینش است. خداوند هر موجود زنده‌ای را به یک سیستم دفاعی مجهز کرده است، منتها به‌حسب اختلاف انواع و ویژگی‌هایی که موجودات دارند مکانیسم‌های دفاعی‌شان تفاوت می‌کند. از آنجا که انسان کامل‌ترین موجود زنده‌ای است که ما می‌شناسیم که بر روی این سیاره زندگی می‌کند خدای متعال او را به انواع وسایل دفاعی منتها بالقوه مجهز فرموده و به فعلیت رسیدن آن، منوط به استفاده از نیروی فکر، عقل و تدبیرش است. دفاع از دین و عقیده، نیز نه تنها حق و اصلی تکوینی و عقلی، بلکه تکلیف شرعی هر مسلمان و مهم‌ترین مرتبه دفاع است. این دفاع می‌تواند اشکال مختلف، از جمله تهاجم به مواضع ضعف دشمن را شامل شود.

۲. اصل امر به معروف و نهی از منکر فکری: این فریضه تنها به رفتارهای فردی محدود نمی‌شود، بلکه شامل مقابله با انحرافات فکری و اعتقادی نیز می‌گردد. امر به معروف فکری، گاه مستلزم تهاجم به باطل برای روشن شدن حق است.

۳. اصل دعوت و تبلیغ فعال: اسلام دین دعوت و تبلیغ است (توبه، ۱۲۲). پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام نیز همواره به صورت فعال و گاه تهاجمی، عقاید باطل را نقد و عقاید حق را تبلیغ می‌کردند. پیامبر اکرم ﷺ در جریان اعزام امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) به یمن و (نیز در روز جنگ خیبر) به او فرمودند: «یا علی، لئن یهتدی بهداک رجل من ضلال خیر ممّا طلعت علیه الشمس؛ اگر خداوند کسی را به دست تو هدایت کند برای بهتر است از آنچه آفتاب بر آن طلوع می‌کند» (دیلمی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۳). این سنت الگویی برای رویکرد تهاجمی است.

۴. اصل عقلانیت و استدلال‌گرایی: اسلام به عقل و استدلال ارزش والایی می‌نهد. رویکرد تهاجمی، در حقیقت عقلانیت فعال و پویا در عرصه دفاع از حق است. برهان‌آوری و استدلال، خود نوعی تهاجم مسلحانه به جبهه باطل است.

۲. ضرورت رویکرد تهاجمی

۲-۱. آسیب‌شناسی پاسخ‌های صرفاً تدافعی

پاسخ‌های تدافعی محض و منفعلانه، مبتنی بر یک الگوی خطی ساده است. دشمن با القای شبهه حمله می‌کند ← ما پس از وقوع حمله، آن را شناسایی می‌کنیم ← برای پاسخ، فکر و تحقیق می‌کنیم ← سپس پاسخ را ارائه می‌دهیم.

این الگو معایب و نقص‌های جدی دارد که در شرایط امروز آن را ناکارآمد ساخته است. برخی از معایب این گونه پاسخ‌ها عبارت‌اند از:

- تأخیر زمانی: بین طرح شبهه و ارائه پاسخ جامع، گاهی فاصله زمانی طولانی رخ می‌دهد. در این فاصله، شبهه در اذهان (به‌ویژه در فضای پرسرعت مجازی) رخنه کرده، شبکه‌ای می‌شود و آثار خود را می‌گذارد. اولین تأثیرگذاری اغلب با دشمن است، لذا باید تمام تلاش در کم کردن فاصله بین طرح شبهه و ارائه پاسخ باشد.
- تعیین چارچوب توسط دشمن: دشمن موضوع، زمان، مکان، لحن و حتی زبان و مفاهیم بحث را تعیین می‌کند. ما ناچاریم در میدانی که او تعریف کرده و به نفع خود طراحی کرده وارد شویم. این یعنی از ابتدا در موضع انفعال و پیروی قرار داریم.

- هدررفت انرژی و منابع: انرژی فکری، مالی و رسانه‌ای عظیمی صرف خنثی‌سازی شبهات می‌شود، درحالی‌که این منابع می‌توانست صرف تولید، گسترش و بسط گفتمان مطلوب و خلاق شود. به تعبیر مدیریت استراتژیک، همیشه در حال «حل مسئله» هستیم، نه «ساختن فرصت».
- عدم ایجاد مصونیت پایدار: چنین پاسخ‌هایی اغلب برای مخاطب خاص و شبهه مشخص است و یک «سامانه دفاعی پیشگیرانه و خودکار» در ذهن جامعه ایجاد نمی‌کند. مخاطب پس از پاسخ، در برابر شبهه بعدی بی‌پناه است.
- تضعیف روحیه و اعتماد به نفس: جامعه‌ای که همواره در موضع پاسخ‌دهی و انفعال قرار دارد، به تدریج احساس ضعف و درماندگی می‌کند و اعتماد به نفس دینی‌اش کاهش می‌یابد.

۲-۲. ویژگی‌های منحصر به فرد تهاجم کلامی معاصر

۱۶۵



رویکرد فقهی در مواجهه با شبهات کلامی

تهاجم کلامی و اعتقادی امروز دارای ویژگی‌ها و مختصات است که پاسخ سنتی و منفعلانه را ناکارآمد می‌سازد. برخی از این ویژگی‌ها بدین قرار است:

الف) شبکه‌ای، غیر متمرکز و چندکاناله: شبهه‌افکنی از هزاران کانال متعدد، پراکنده و گاه ناشناس (شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌ها، پادکست، وبلاگ، بازی‌های رایانه‌ای، تولیدات هنری، صداوسیما) به صورت هم‌زمان انجام می‌شود. هیچ مرکز واحدی برای پاسخ وجود ندارد.

ب) بین‌رشته‌ای و پیچیده: شبهات جدید، آمیزه‌ای پیچیده از فلسفه (مثلاً فلسفه اخلاق الحادی)، علوم تجربی (تکامل داروینی)، علوم شناختی، جامعه‌شناسی، روان‌کاوی و مطالعات جنسیت هستند. پاسخ‌گویی نیازمند تیم‌های تخصصی بین‌رشته‌ای است.

ج) عاطفه‌محور، روایی و داستان‌پرداز: از طریق روایت‌های احساسی، داستان‌های جذاب، فیلم، سریال و موزیک ویدیو (مثلاً در قالب رمان یا فیلم ضد دینی) پیام شبهه‌آمیز منتقل می‌شود. منطق خشک پاسخ‌های سنتی در برابر این جذابیت روایی کم می‌آورد.

د) هدف‌گیری نسلی و شخصی‌سازی شده: تمرکز اصلی بر نسل جوان و نوجوان است که در فضای مجازی زیست می‌کنند. الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی، شبهات را براساس علایق و رفتارهای هر کاربر به صورت شخصی‌سازی شده به او نشان می‌دهند.

هـ) استفاده از شبه‌علم و اطلاعات نادرست: گاه شبهات با پوشش ظاهری علمی و با استناد به داده‌های نادرست یا تفسیرهای غلط از علم مطرح می‌شوند که پاسخ به آن‌ها نیازمند تخصص

علمی دقیق است.

و) ادغام با جریان‌های سیاسی-اجتماعی: شبهات کلامی اغلب در دل جریان‌های بزرگ‌تری مانند فمینیسم رادیکال، حقوق دگرباشان، محیط‌زیست‌گرایی افراطی گنجانده می‌شوند و پاسخ به آن‌ها را پیچیده‌تر می‌سازد.

۲-۳. ضرورت تحول در رسالت حوزه‌های علمیه

حوزه‌های علمیه به‌عنوان قلعه‌های دفاع از اندیشه ناب اسلامی و سنگرهای تولید معرفت دینی، در طول تاریخ همواره نقش پاسخ‌گویی به شبهات و هدایت فکری جامعه را برعهده داشته‌اند، اما تحولات شتابان جهانی، ماهیت تهدیدات و قابلیت‌های دشمن، این رسالت تاریخی را از نگهبانی و پاسداری ایستای صرف، به پیشروی پویا، فتح سنگرهای فکری و اثرگذاری فعال در عرصه جهانی ارتقا داده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌کرات بر این تحول نقشه دشمن و ضرورت تحول در خودی تأکید کرده‌اند: «دشمنان بیکار نمی‌نشینند، نقشه می‌کشند؛ هنر این است که نقشه و توطئه دشمن را (بشناسیم) نقطه‌ای را که آماج حمله دشمن است، بشناسیم و برای مواجهه و مقابله با او برای خنثی کردن کار دشمن طرح، انگیزه و فکر داشته باشیم. دشمن دارد کار فرهنگی می‌کند... ما هم باید کار فرهنگی بکنیم، اما نه کار فرهنگی تدافعی، کار فرهنگی تهاجمی؛ یعنی برویم حرف نو بزنیم، ابتکار داشته باشیم، میدان را به‌دست بگیریم» (بیانات در مردم اصفهان، ۱۳۹۵/۰۸/۲۶). این امر، مستلزم یک تحول پارادایمی در نگاه، ساختار، روش‌ها، ابزارها و حتی در نوع تربیت نیروی انسانی حوزه است. حوزه امروز نیازمند متکلمانی است که علاوه بر تسلط بر متون کهن، با فلسفه‌های جدید، علوم انسانی معاصر، زبان‌های خارجی و فناوری‌های ارتباطی نیز آشنا باشند.

۱۶۶

شپ‌نور

سال چهارم / شماره هشتم / بهار و تابستان ۱۴۰۵

۳. مؤلفه‌های کلان و ارکان ساختاری رویکرد تهاجمی

برای تحقق رویکرد تهاجمی به‌عنوان یک سیستم یکپارچه، وجود و تقویت چند مؤلفه کلان و رکن ساختاری ضروری است. این مؤلفه‌ها مانند اجزای یک ماشین نظامی پیشرفته، در تعامل با هم عمل می‌کنند.

۳-۱. میدان‌داری فرهیختگان حوزوی و ایجاد جریان اصیل فکری پیشرو

منظور از میدان‌داری، حضور فعال، پیشتاز، جهت‌دهنده و اثرگذار در تمامی عرصه‌های تولید،

نشر، مناظره و ترویج عقیدتی است. این میدان‌داری صرفاً فیزیکی نیست، بلکه فکری، رسانه‌ای و گفتمانی است. برخی از مؤلفه‌های این میدان‌داری بدین قرار است:

الف) رهبری فکری و تولید نظریه: متکلمان و اساتید برجسته حوزه، نباید تنها در کلاس‌های درسی بمانند یا به تألیف کتب درسی سنتی بسنده کنند، بلکه باید پیشگام تولید «نظریه‌های کلامی پاسخ‌گو» به مسائل روز و پیچیده، نظیر «نظریه عدالت در پرتو فقه حکومتی»، «کلام زیست‌محیطی اسلامی»، «الهیات فمینیستی اسلامی» باشند.

ب) ورود هدفمند به عرصه‌های جدید و اثرگذار به‌عنوان کنش‌گر فعال: حضور نظام‌مند در دانشگاه‌ها (نه به‌عنوان مهمان، بلکه به‌عنوان استاد یا محقق)، رسانه‌های ملی و بین‌المللی (مصاحبه، مقاله و میزگرد)، فضای مجازی (کانال، صفحه و اپلیکیشن) و تولید محتوای جذاب، تعاملی و چندرسانه‌ای برای نسل جوان.

ج) سازماندهی علمی نیروها و ایجاد اتاق‌های فکر: ایجاد «اتاق‌های فکر تخصصی» متشکل از متکلمان، فیلسوفان، مورخان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و رسانه‌شناسان برای رصد، تحلیل، اولویت‌بندی و طراحی پاسخ‌های کلان و بلندمدت به شبهات در حوزه‌های مختلف علمی.

د) مردمی کردن دفاع عقیدتی و توانمندسازی توده‌های بصیر: یکی از ابعاد میدان‌داری، توانمندسازی، آموزش و هدایت اقشار بصیر و معتقد مردم است تا آنان به «مبلغان خودجوش و آگاه» تبدیل شوند. این کار از طریق برگزاری دوره‌های فشرده «مبانی دفاع عقیدتی» برای اقشار مختلف انجام می‌شود.

ه) ایجاد نهادهای تخصصی واسطه: تأسیس نهادهایی مانند «مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات»، «مرکز ملی پاسخ‌گویی به شبهات دینی» و «بنیاد گفتمان‌سازی اعتقادی» که بتواند به‌عنوان مغزافزار و هماهنگ‌کننده کل جریان تهاجمی عمل کند.

۳-۲. ابتکار عمل گفتمانی و پرسش‌گری معکوس: از انفعال به فعال

ابتکار عمل در جنگ نرم، به‌معنای تعیین‌کننده اصلی جهت، محتوا، زمان و مکان بحث بودن است. برای کسب، حفظ و افزایش ابتکار عمل باید به‌جای صرف واکنش به گفتمان دشمن، گفتمان اسلام ناب را با ادبیات نو، جذاب، پاسخ‌گو به نیازهای روز و مبتنی بر عقلانیت تولید و ترویج کرد؛ مثلاً به‌جای فقط پاسخ دادن به شبهات مربوط به حجاب، باید گفتمان «عفاف به‌مثابه آزادی، امنیت و کرامت زن» یا «سبک زندگی اسلامی به‌عنوان راهبرد مقابله با استرس و افسردگی مدرن» را تولید و با ابزارهای خلاقانه ترویج کرد.

همچنین با طرح پرسش‌های اساسی، بنیادین و چالشی درباره مبانی فکری جریان‌های الحادی، لیبرالیستی، سکولار، اومانیستی و... آنان را به موضع دفاعی کشاند؛ مثلاً با طرح پرسش از «مبانی اخلاق در انسان‌محوری (اومانیسم) پس از مرگ خدا»، «تناقض آزادی مطلق با مسئولیت اجتماعی در لیبرالیسم»، یا «معیار تشخیص علم از شبه‌علم در ادعاهای علمی ضددینی» آن‌ها را به چالش کشاند.

و نیز زمان مناسب (مثلاً هم‌زمان با رویدادهای جهانی مانند روز زن، روز محیط‌زیست) و مکان استراتژیک مانند کانال‌های اثرگذار (مانند شبکه‌های اجتماعی پرمخاطب جوانان) را برای عرضه محتوای تهاجمی و جذاب انتخاب کرد. در آخر به جای آن‌که منتظر بمانیم دشمن مفهومی را تحریف کند یا علیه ما به کار برد، خود پیش‌دستی کرده و مفاهیمی مانند «جهاد»، «شریعت»، «خلافت»، «زن مسلمان» را با محتوای صحیح و جذاب به جهان معرفی کنیم.

بنابراین با تولید و ترویج گفتمان مطلوب و جذاب، پرسش‌گری معکوس و فعال، تعیین زمان و مکان استراتژیک و پیش‌دستی در معرفی مفاهیم می‌توان ابتکار عمل گفتمانی داشته و از انفعال به فعال تبدیل شد.

۳-۳. شناخت ریشه‌ای و تحلیل سامانه‌ای کانون‌های شبهه‌ساز

یک تهاجم دقیق، هوشمند و اثرگذار، نیازمند شناسایی دقیق، همه‌جانبه و عمیق هدف است. شبهات کلامی امروز، عموماً از کانون‌های فکری، نهادی و مالی مشخصی منتشر می‌شوند که می‌توان آن‌ها را در قالب یک «نقشه فکری دشمن» ترسیم کرد. براساس پژوهش‌ها و تحلیل محتوای شبکه‌های اجتماعی و تولیدات رسانه‌ای معاند، این جریان‌ها را می‌توان در پنج جریان اصلی و زیرشاخه‌های متعدد آن دسته‌بندی کرد:

۱. جریان‌های الحاد جدید، طبیعت‌گرایی و فلسفه‌های مضاف ضددین

این جریان‌ها با پرچمداری اندیشمندانی مانند داوکینز، هیچنز، سام هریس، دانیل دنت و نیز مکاتب پوزیتیویسم منطقی، اگزیستانسیالیسم الحادی سارتر، مارکسیسم و داروینیسم اجتماعی با روش استناد به علم تجربی (گاه شبه‌علم)، طنز و تمسخر درصدد به چالش کشیدن براهین اثبات خدا به‌ویژه برهان نظم، رابطه علم و دین، مسئله شر، منشأ اخلاق، معاد و غایت‌مندی جهان‌اند.

۲. جریان‌های ضداسلام با رویکرد کلامی مستشرقان

این جریان با شبهه‌پردازی امثال پطروشفسکی، گلدزیهر، مسیحیت تبشیری افراطی، صهیونیسم فرهنگی، بهائیت، بودیسم تبشیری به نقد شخصیت پیامبر ﷺ با القا شبهات اخلاقی و روانی،

تحریف قرآن، خشونت در متون اسلامی (جهاد)، انحصار حقیقت، برابری زن و مرد می‌پردازد. روش این جریان غالباً با تفسیر تاریخی گرایانه افراطی و القا ترس صورت می‌پذیرد.

۳. جریان‌های ضدشیعه درون جهان اسلام

وها بیت و سلفی‌گری جهادی (القاعده، داعش) و سلفی‌گری مدنی، جریان‌های افراطی تکفیری، قرآنیون/ اهل القرآن (منکران حجیت حدیث) و عقل‌گرایان افراطی از جمله جریان‌های ضدشیعه درون جهان اسلام هستند. آن‌ها با استناد به ظواهر قرآن و رد سنت، تأویل‌ناپذیری و حربه تکفیر به نقد مباحثی مانند امامت و عصمت، توسل و شفاعت، زیارت قبور، تقیه و مهدویت می‌پردازند.

۴. جریان فمینیسم (سوسیالیستی، لیبرال، رادیکال، فرهنگی و اسلامی)

طرفداران انواع فمینیسم با روایت‌های شخصی، زبان حقوق بشر و مطالعات جنسیت، برخی از امور مربوط به زنان را به چالش کشیدند. تفاوت‌های حقوقی زن و مرد را نوعی تبعیض، قوامیت مردان و حجاب را ستم و مسئله ارث را نابرابری می‌دانند.

۵. جریان‌های معاند انقلاب اسلامی با رویکرد اعتقادی روشنفکران دینی سکولار یا لیبرال
سلطنت‌طلبان با ادعای ایران‌باستانی، انواع گروهک‌های منحرف مانند منافقین، روشنفکران و غرب‌گرایان سکولار یا لیبرال نیز با استفاده از مفاهیم مدرن (دموکراسی، حقوق بشر) درصدد نقد مفاهیم دینی برآمدند. ولایت‌فقیه به‌عنوان استمرار امامت را غیرمشروع می‌دانند، قائل به جدایی دین از سیاست هستند، مردم‌سالاری دینی را نوعی تناقض‌گویی تلقی می‌کنند و اهتمامی به مقابله در برابر استکبار ندارند.

شناخت این جریان‌ها، تنها به‌معنی نام بردن از آن‌ها نیست، بلکه شامل مطالعه آثار اصلی رهبران فکری آنان، فهم پیش‌فرض‌های پنهان، تحلیل روش‌شناسی استدلالی، شناسایی نقاط ضعف منطقی و درونی و رصد شبکه‌های حامی مالی و رسانه‌ای آنان است.

۳-۴. تولید ادله متقن، نظام‌مند و جذاب

هسته مرکزی هرگونه مواجهه، اعم از تدافعی یا تهاجمی، قدرت استدلال و اقناع است، اما در رویکرد تهاجمی، این ادله واجد ویژگی‌های مضاعفی است. اتقان و استحکام منطقی، نظام‌مندی و انسجام درونی، تنوع در شیوه‌های استدلال، جذابیت و اقناع‌آفرینی و پاسخ‌های از پیش طراحی شده و بانک اطلاعاتی از جمله این ویژگی‌هاست.

در رویکرد تهاجمی پاسخ‌ها باید دارای اتقان و استحکام منطقی باشد؛ یعنی براساس قواعد

منطق قدیم و جدید (منطق ریاضی، منطق گزاره‌ها) باشد. در استدلال‌های عقلی، باید شرایط «برهان» به معنای اخص رعایت شود؛ یعنی مقدمات برهان همگی یقینی باشند، نسبت به نتیجه تقدم طبعی داشته باشد، در نزد عقل و ذهن نسبت به نتیجه تقدم زمانی داشته باشد، اعراف و شناخته شده‌تر از نتیجه باشد، ذاتی و اولی باشد و نیز ضروری و کلی باشند (بهمنیار، ۱۳۷۵، ص ۲۰۶). پاسخ‌ها در استدلال‌های رویکرد تهاجمی نباید مبتنی بر ظن، گمان یا استحسان صرف باشد.

نظام‌مندی و انسجام درونی از دیگر ویژگی‌های ادله در رویکرد تهاجمی است؛ یعنی پاسخ به یک شبهه، باید در چارچوب کلان منظومه اعتقادی اسلام باشد و با سایر باورها ناسازگار نباشد؛ مثلاً پاسخ به شبهه شر، باید با قضا و قدر، اختیار انسان و عدل الهی سازگار باشد.

همچنین شیوه‌های استدلال در رویکرد تهاجمی باید متنوع باشد؛ یعنی شامل انواع ادله عقلی (برهان و استدلال تمثیلی)، نقلی (آیات محکم، روایات متواتر یا صحیح‌السند)، علمی (داده‌های قطعی علوم تجربی که با دین سازگار است)، تاریخی (اسناد و قرائن تاریخی) و فطری (استناد به گرایش‌های فطری انسان) باشد.

ادله در رویکرد تهاجمی از جذابیت و اقناع‌آفرینی نیز برخوردار است؛ به عبارت دیگر ادله باید به زبانی ساده، روان، گویا و جذاب عرضه شوند. استفاده از قیاس‌های تمثیلی روشن، داستان‌های پندآموز، تصاویر گویا و اینفوگرافیک می‌تواند بر جذابیت بیفزاید. مخاطب امروز، مخاطب «کلیک» است، باید او را جذب کرد.

در آخر رویکرد تهاجمی باید حاوی پاسخ‌های از پیش طراحی شده و بانک اطلاعاتی پویا و هوشمند باشد تا در صورت نیاز به سرعت در دسترس مبلغان و عموم مردم قرار گیرد.

۴. اصول راهبردی، ویژگی‌ها و شاخص‌های ارزیابی

یک رویکرد تهاجمی موفق و پایدار، باید واجد اصول، ویژگی‌ها و شاخص‌هایی باشد تا از افتادن به‌ورطه تخریب، بی‌اخلاقی، بی‌اثری یا ایجاد بازخورد منفی مصون بماند. در ذیل به مهم‌ترین اصول راهبردی و ویژگی‌ها و شاخص‌های ارزیابی اشاره می‌شود.

۴-۱. اصول راهبردی

مهم‌ترین اصول راهبردی رویکرد تهاجمی در مواجهه با شبهات کلامی عبارت‌اند از:

۱. اصل دشمن‌شناسی عمیق و مخاطب‌شناسی هوشمند: شناخت دقیق و همه‌جانبه جریان فکری مقابل، منابع مالی، شبکه‌های رسانه‌ای، نقاط قوت و ضعف استدلالی آن و نیز شناخت عمیق نیازها، دغدغه‌ها، سطح سواد، زبان و فرهنگ مخاطب هدف. این اصل، سنگ‌بنای هر اقدام تهاجمی هدفمند است.

۲. اصل بصیرت، آینده‌نگاری و تحلیل روند: توانایی تحلیل روندهای فکری جهانی، پیش‌بینی شبهات آینده براساس تحولات فلسفی، علمی و اجتماعی و برنامه‌ریزی برای مواجهه پیش‌دستانه است. مقام معظم رهبری در تأکید بر این امر می‌فرماید: «ما در برخورد با مسائل تهاجمی، پدیده را در اول ورود، حتی قبل از ورود باید بشناسیم» (بیانات، ۱۴۰۲/۰۹/۱۹).

۳. اصل اعتماد به نفس مبتنی بر معرفت و حقانیت: ایمان راسخ به حقانیت مکتب، غنای منابع دینی و توانایی استدلالی آن، که مانع از خودباختگی در برابر هیاهوی رسانه‌ای، تکنولوژی پیشرفته یا ادعاهای پوشالی دشمن می‌شود. البته روشن است که این اعتماد به نفس، باید ناشی از مطالعه و معرفت باشد، نه تعصب کور.

۴. اصل استناد، استدلال محوری و اتقان علمی: هر ادعا، نقد یا پاسخی باید با دلیل متقن عقلی یا نقلی معتبر همراه باشد. پاسخ باید از حیث منطقی «یقین‌آور» یا دست‌کم «اظهاریت» و «اقتناع‌آفرینی» بالا داشته باشد. در پاسخ‌ها باید از کلی‌گویی و شعارزدگی پرهیز کرد.

۵. اصل انصاف، رعایت اخلاق مناظره و احترام به جوینده حقیقت: حتی در سخت‌ترین مواجهات و تندترین نقدها، باید از توهین، تحقیر، دروغ، افترا، مغالطه و نسبت‌های ناروا پرهیز کرد. باید بین «دشمن فکری سازمان‌یافته» و «فرد سؤال‌کننده حقیقت‌جو» تفاوت قائل شد. امام علی (علیه السلام) حتی در جنگ با معاویه به رعایت انصاف و پرهیز از غدر و نیرنگ توصیه می‌کردند (المنقری، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۳).

۶. اصل سرعت، چابکی و به‌موقع بودن: در فضای رسانه‌ای پرشتاب امروز، تأخیر در پاسخ‌گویی به معنای باخت میدان است. باید ساختارهایی ایجاد کرد که توان پاسخ‌گویی سریع را داشته باشند.

۷. اصل تلفیق سخت‌افزار و نرم‌افزار: بهره‌گیری هم‌زمان از محتوای عمیق (نرم‌افزار) و ابزارهای پیشرفته ارتباطی و رسانه‌ای (سخت‌افزار) باید در دستور کار رویکرد تهاجمی در مواجهه با شبهات کلامی باشد. امروزه یکی بدون دیگری ناقص است.

۴-۲. ویژگی‌ها و شاخص‌های ارزیابی

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های ممیزه در رویکرد تهاجمی عبارت‌اند از: ۱. فعال بودن: یعنی اقدام قبل از وقوع حادثه، نه پس از آن، ۲. نوآورانه و خلاقیت با خلق روش‌ها، قالب‌ها و ادبیات جدید در تبلیغ و دفاع، ۳. نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده که مبتنی بر نقشه راه و برنامه استراتژیک است، نه فعالیت‌های پراکنده و سلیقه‌ای، ۴. اثرگذار و توانایی نفوذ در دل مخاطب و تغییر نگرش او را داشته باشد، ۵. همه‌جانبه و فراگیر به گونه‌ای که با استفاده از تمامی ظرفیت‌ها تمامی حوزه‌های مورد هجوم پوشش یابد و ۶. اخلاق‌مداری و التزام به چارچوب‌های اخلاقی در تمامی مراحل. بعد از روشن شدن مهم‌ترین اصول راهبردی و ویژگی‌های رویکرد تهاجمی می‌توان مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی موفقیت این رویکرد را این موارد شمرد: کاهش نرخ انتشار، افزایش تولید محتوای اصیل توسط خودی‌ها، افزایش تعامل مثبت مخاطبان با محتوای دفاعی، جذب نخبگان به گفتمان اسلامی و ایجاد هزینه برای دشمن در ادامه فعالیت شبهه‌افکنی باشد.

۵. الگوهای تاریخی و معاصر از رویکرد تهاجمی

تاریخ اسلام و تشیع، مملو از نمونه‌های آموزنده مواجهه تهاجمی با انحرافات فکری و شبهات است. این الگوها می‌توانند چراغ راه و منبع الهام برای طراحی مدل‌های امروزی باشند. در ذیل در دو قسمت الگوهای تاریخی و سیره معصومان (علیهم‌السلام) و الگوهای معاصر به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

۵-۱. الگوهای تاریخی و سیره معصومان (علیهم‌السلام)

الف) مناظرات علمی امام رضا (علیه‌السلام): مناظرات امام رضا (علیه‌السلام) در مرو با علمای ادیان مختلف (زرتشتی، یهودی، مسیحی و صابئی) و همچنین با سران معتزله و دیگر فرق اسلامی، نمونه‌ای عالی یک مناظره تهاجمی مبنایی، محترمانه و کاملاً منطقی بود. در این مناظرات، حضرت با طرح پرسش از مبانی اعتقادی طرف‌های مقابل، ضعف درونی آنان را نشان می‌داد و سپس حقانیت اسلام را اثبات می‌کرد. این «پرسش‌گری معکوس» الگویی کامل برای کسب ابتکار عمل است (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۵۶-۱۷۰).

ب) خطبه فدکیه حضرت زهرا (علیها‌السلام): این خطبه تاریخی، فراتر از یک دفاع احساسی، هجومی منطقی، مستدل، آتشین و مبتنی بر کتاب‌الله، سنت نبوی و عرف عقلایی بود که مبنای خلافت غصب شده را به چالش کشید و حقانیت امامت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) را با استناد به آیات و وقایع

تاریخی (مانند حدیث غدیر) اثبات کرد. این خطبه، الگویی از «رویکرد تهاجمی» در اوج فصاحت و بلاغت است (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰۱-۱۰۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۹، ص ۲۲۰-۲۳۳).

ج) مکتب کلامی امامیه در عصر حضور و غیبت: تلاش متکلمانی مانند هشام بن حکم، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و علامه حلی در تولید نظام کلامی مستدل و منسجم و دفاع از عقاید شیعه در برابر معتزله، اشاعره، خوارج، مرجئه و... نمونه یک حرکت تهاجمی نهادینه شده، علمی و بلندمدت است. این اندیشمندان با تألیف کتبی مانند **الاولی**، **تصحیح الاعتقادات**، **الذخیره**، **تجريد الاعتقاد**، **انوار الملکوت** و...، به صورت نیکویی با استفاده از رویکرد تهاجمی به تبیین و دفاع از اندیشه امامت پرداختند. مناظره هشام بن حکم از شاگردان امام صادق (علیه السلام) با عمرو بن عبید را می توان از جمله نمونه های این رویکرد تهاجمی قلمداد کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶۹، ح ۳).

۱۷۳

۵-۲. الگوهای معاصر

الف) امام خمینی (رحمه الله) و کتاب **کشف الاسرار** (۱۳۲۳): این کتاب پاسخی تهاجمی، ابتکاری و جامع به شبهات مطرح شده در رساله **اسرار هزار ساله** علی اکبر حکمی زاده بود (جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۵۴). امام خمینی (رحمه الله) در این کتاب، ضمن دفاع مستدل از تشیع و روحانیت، به مبانی فکری وهابیت و بهائیت و نیز حکومت پهلوی، استعمار و روشنفکری سطحی حمله بردند و پایه های فکری مبارزه را بنا نهادند (خمینی، بی تا، ص ۱۰، ۲۷، ۳۹، ۶۱ و ۷۷). این اثر، الگویی از یک پاسخ تهاجمی سیاسی-اعتقادی در شرایط خفقان است.

ب) علامه سید محمد حسین طباطبایی و پایگاه فکری تهاجمی: تألیف **المیزان فی تفسیر القرآن** به شیوه تفسیر قرآن به قرآن، و **اصول فلسفه و رئالیسم** به گونه ای بود که به شبهات جدید فلسفی، علمی و تاریخی پاسخ می داد و یک سیستم تفسیری منسجم و تهاجمی در برابر تفاسیر مادی گرا و تقلیل گرا ایجاد کرد. همچنین مناظرات ایشان با هانری گربن و دیگر شرق شناسان، نشان دهنده توانایی تهاجم فکری در سطح بین المللی بود. رهبر شهید انقلاب در باره ایشان فرمودند: «این پایگاه فکری تهاجمی را مرحوم آقای طباطبایی به وجود آورد... ماها باید این کار را از آقای طباطبایی یاد بگیریم: تشکیل پایگاه های فکری پُرکننده خلأها و دارای جنبه تهاجم...» (بیانات، ۱۴۰۲/۰۸/۱۷).

ج) شهید مرتضی مطهری و نقد مکاتب مادی: استاد مطهری با درک عمیق از مکاتب

شبهات

رویکرد فکری در مواجهه با شبهات کلامی

مارکسیستی، اگزیستانسیالیستی و دیگر اندیشه‌های غربی، به‌جای واکنش صرف و انفعالی، به نقد بنیادین مبانی فلسفی، جامعه‌شناختی و اخلاقی آنان پرداخت. کتب اصول فلسفه و روش رئالیسم، علل گرایش به مادی‌گری و مجموعه مقالات مسئله شناخت نمونه‌های بارز این تهاجم فکری منظم و عمیق است. ایشان می‌فرمایند: «مارکس انسان را در حد یک حیوان اقتصادی دنبال شکم پایین آورده است...» (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۳، ص ۶۰۵). روش ایشان، ترکیب استدلال عقلی محکم با بیان روان و مثال‌های ملموس بود.

د) آیت‌الله جعفر سبحانی و نقد نظام‌مند فرق انحرافی: مجموعه کتب ارزشمند ایشان در نقد فرق مختلف اسلامی مانند اهل حدیث و حنابل، اشاعره، مرجئه، جهمیه، کرامیه، ظاهریه، قدریه، ماتریدیه، معتزله، خوارج، وهابیت، شیعه زیدی و اسماعیلی در کتاب ارزشمند بحوث فی الملل والنحل و نیز کتبی که به‌صورت اختصاصی به نقد فرقه خاصی پرداخته است مانند آیین وهابیت، یا الوهابیه فی المیزان و دیگر کتب وی در علم فرق و کلام، الگویی از تهاجم مستند، تاریخی و مبتنی بر منابع خود این فرق است. برای نمونه ایشان با استناد به کتاب‌های بزرگان وهابیت مانند ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب، تناقضات و افراط‌های آنان را نشان می‌دهند (سبحانی، ۱۳۶۴، ص ۳۵).

ه) رهبر شهید انقلاب و دیپلماسی تهاجمی اعتقادی: نامه‌های ایشان به عموم جوانان در کشورهای غربی (بیانات، ۱۳۹۴/۰۹/۰۸) و نیز جوانان اروپا و آمریکای شمالی (بیانات، ۱۳۹۳/۱۱/۰۱)، حرکتی تهاجمی در عرصه دیپلماسی عمومی و فرهنگی است که مستقیماً مخاطب غربی را هدف گرفته و شبهه «اسلام خشن» و «تعارض ذاتی اسلام با مدرنیته» را به چالش می‌کشد. این نامه‌ها، با زبانی منطقی، مستدل و محترمانه، پرسش‌های بنیادینی درباره بحران معنویت و اخلاق در تمدن غرب مطرح می‌کنند و دعوت به شناخت واقعی اسلام می‌نمایند. این اقدام، نمونه‌ای از «تهاجم گفتمان‌ساز» در سطح جهانی است.

۶. لوازم، ابزارها، راهکارهای اجرایی‌سازی

تحقق رویکرد تهاجمی به‌عنوان یک استراتژی کلان، نیازمند فراهم‌آوری لوازم و بسترهای نهادی، تربیت نیروی انسانی، توسعه ابزارهای فنی و راهکارهای اجرایی‌سازی دقیق است. حال اشاره مختصری به این موارد می‌شود.

۶-۱. لوازم نهادی، ساختاری و مدیریتی

تحقق رویکرد تهاجمی در مواجهه با شبهات کلامی نیازمند لوازم نهادی، ساختاری و مدیریتی مختلفی است که به اهم آنها اشاره می‌شود.

الف) تشکیل شورای عالی راهبردی گفتمان اعتقادی که متشکل از مراجع تقلید یا نماینده آنها، مدیران ارشد حوزه علمیه، متکلمان برجسته، استراتژیست‌های فرهنگی و رسانه‌ای برای تعیین خط‌مشی کلان، اولویت‌ها و نظارت عالیه است.

ب) تأسیس پژوهشکده‌ها و مراکز تخصصی نوین مانند پژوهشکده کلام تطبیقی و مناظره، برای مطالعه تطبیقی اندیشه‌های اسلامی و غیراسلامی و طراحی الگوهای مناظره و پژوهشکده شبهات نوپدید و آینده‌پژوهی کلامی، که با استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی برای پیش‌بینی شبهات کلامی در آینده تلاش کند.

ج) مرکز ترجمه، تولید و نشر بین‌المللی محتوای اعتقادی، برای عرضه محصولات فکری به زبان‌های زنده دنیا با استانداردهای جهانی.

د) مرکز رصد و تحلیل فضای مجازی و رسانه‌های بیگانه، با استفاده از فناوری‌های جدید مانند هوش مصنوعی و تحلیل کلان‌داده‌ها برای رصد لحظه‌ای شبهات.

هـ) بازنگری اساسی در سرفصل‌ها و روش‌های آموزشی حوزه علمیه مانند:

- گنجانیدن دروس اجباری یا اختیاری مانند «روش‌شناسی نقد مکاتب فکری»، «فنون مناظره، گفت‌وگو و اقناع»، «رسانه، فضای مجازی و ارتباطات جمعی»، «زبان‌های خارجی تخصصی» و «آیین اخلاق پژوهش و مناظره».

- ایجاد «رشته تخصصی کلام اسلامی با رویکرد تهاجمی و تبلیغ».

- تغییر روش تدریس از شیوه صرفاً سخنرانی به شیوه‌های تعاملی، کارگاهی، مطالعه موردی و مناظره‌ای.

و) حمایت نظام‌مند و هدفمند از طلاب و پژوهشگران نخبه، با اعطای بورسیه‌های مطالعاتی برای تحقیق در مورد مکاتب فکری رقیب، حمایت از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های کاربردی در این حوزه، ایجاد «باشگاه مناظره» و «المپیادهای استدلال‌ورزی» در سطح حوزه‌های علمیه.

۶-۲. ابزارهای ارتباطی، رسانه‌ای و فناورانه

مواجهه با شبهات کلامی با رویکرد تهاجمی نیازمند ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ای فنی است که به برخی از ابعاد این ابزارها اشاره می‌شود:

الف) توسعه و حرفه‌ای‌سازی شبکه‌های اجتماعی تخصصی: ایجاد صفحات، کانال‌ها و اپلیکیشن‌های جذاب و پرتعداد با مدیریت جمعی از علما، طلاب جوان، هنرمندان متدین و متخصصان رسانه با استفاده از قالب‌های متنوع مانند متن، صوت، تصویر، موشن‌گرافی، پادکست و استوری.

ب) تولید محتوای چندرسانه‌ای حرفه‌ای: سرمایه‌گذاری کلان بر تولید مستندهای جذاب، فیلم‌های کوتاه و بلند سینمایی، پویانمایی (انیمیشن) و بازی‌های رایانه‌ای آموزشی-ماجراجویانه با مضامین اعتقادی (مانند زندگی پیامبران، فلسفه احکام و پاسخ به شبهات).

ج) راه‌اندازی پلتفرم‌های پرسش و پاسخ تعاملی و زنده: ایجاد سایت‌ها و اپلیکیشن‌های پرسش و پاسخ که به صورت زنده و با حضور متخصصان مختلف علم کلام، پاسخ‌گو باشند.

د) تسلط بر زبان‌های بین‌المللی و بومی‌سازی محتوا: تربیت مبلغان، مترجمان و محققان مسلط به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، اسپانیایی، روسی و... برای اثرگذاری فرامرزی. بومی‌سازی محتوا، یعنی ارائه آن به زبان و با مثال‌های قابل درک برای مخاطب خاص هر فرهنگ.

هـ) استفاده از قابلیت هوش مصنوعی در ارائه پاسخ به شبهات.

۶-۳. راهکارهای عملیاتی

در مواجهه با شبهات کلامی با رویکرد تهاجمی راهکارهایی عملیاتی پیشنهاد می‌شود که بدین‌قرار است:

الف) طراحی و اجرای کمپین‌های فکری دوره‌ای: اجرای کمپین‌های مشخص چند ماهه، چند هفته‌ای و یا حتی چند روزه با موضوعاتی جدید و چالشی با استفاده از تمام ظرفیت‌های رسانه‌ای، هنری و آموزشی.

ب) برگزاری مناظرات علمی کنترل شده و پخش گسترده آن: ترتیب دادن مناظرات علمی و مستند میان متخصصان و نمایندگان جریان‌های فکری دیگر (الحادی، مسیحی، وهابی و...) در فضایی کاملاً اخلاق‌مدار، با داوران معتبر و پخش آن از رسانه‌های فراگیر داخلی و بین‌المللی.

ج) ایجاد بانک اطلاعاتی پویا و هوشمند از شبهات و پاسخ‌ها: تدوین بانک اطلاعاتی منظم، روزآمد، قابل جست‌وجو و طبقه‌بندی شده از شبهات و پاسخ‌های متقن به همراه منابع، که از طریق اپلیکیشن و وبسایت در دسترس همگان قرار گیرد.

د) ایجاد یگان‌های سریع‌العمل (واکنش سریع): تیم‌های کوچک، چابک و متشکل از متخصصان (کلام، رسانه و روان‌شناسی) که بتوانند در کوتاه‌ترین زمان به شبهات داغ و ویروسی

شده پاسخ دهند.

نتیجه

تهاجم گسترده، پیچیده، فناورانه و چندلایه علیه باورهای دینی در عصر حاضر، بیش از هر زمان دیگری نشان داده که استراتژی‌های دفاعی منفعل، واکنشی و پراکنده، کارایی لازم را برای صیانت از حریم عقاید و هدایت نسل جدید ندارند. در این مقاله، با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکردی بین‌رشته‌ای، الگوی «رویکرد تهاجمی» به‌عنوان یک گزینه راهبردی ضروری، اجتناب‌ناپذیر و عملی مورد بررسی و تبیین قرار گرفت. این رویکرد، نه یک واکنش احساسی یا تقابل خصمانه کور، که یک «منظومه فعال، هوشمند، برنامه‌ریزی شده و خردمندانه» است که بر چند رکن اساسی استوار است: «میدان‌داری و رهبری جریان اصیل حوزوی»، «کسب و حفظ ابتکار عمل گفتمانی»، «شناسایی ریشه‌ای و تحلیل سامانه‌ای کانون‌های شبهه‌سازی»، «تولید ادله متقن، جذاب و نظام‌مند» و «بهره‌گیری حداکثری و هوشمند از ابزارهای نوین ارتباطی و رسانه‌ای».

۱۷۷

شیرازه

رویکرد تهاجمی در مواجهه با شبهات کلامی

ویژگی ممتاز این رویکرد، تلفیق «قوت استدلال و عمق محتوایی» با «خلاقیت در ارائه و جذابیت‌سازی» و «التزام جدی به اخلاق مناظره و احترام به حقیقت‌جویی» است. تاریخ پر بار اسلامی و تجارب گران‌قدر علمای معاصر، الگوهای درخشانی از چنین مواجهه‌ای را پیش روی ما نهاده است؛ از مناظرات ائمه علیهم‌السلام و خطبه حضرت زهرا علیها‌السلام تا تلاش‌های نظریه‌پردازانه امام خمینی رحمته‌الله، شهید مطهری و علامه طباطبایی.

برای نهادینه‌سازی این رویکرد، یک «تحول پارادایمی» در نگاه، یک «بازنگری ساختاری» در نهادهای دینی و یک «توسعه توانمندی‌ها» در نیروی انسانی ضروری است. این امر مستلزم تحول در ساختارهای حوزه‌های علمیه، بازنگری در روش‌های آموزشی، سرمایه‌گذاری روی تربیت طلاب نخبه و خلاق، تجهیز به ابزارهای روزآمد رسانه‌ای و مهم‌تر از همه، «عزم جهادی جمعی» برای ورود به این عرصه خطیر است.

نتیجه نهایی اتخاذ این رویکرد، تنها پاسخ‌گویی بهتر نیست، بلکه تغییر ماهوی میدان نبرد فکری است. بدین معنا که از حالت انفعال، پیروی و پاسخ‌دهی صرف خارج شده، به موقعیتی می‌رسیم که می‌توانیم گفتمان اسلامی را به‌صورت فعال در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی پیش برانیم، شبهات را در نطفه خنثی کنیم یا با کمترین هزینه بی‌اثر نماییم و مهم‌تر از آن، سؤال‌ها و چالش‌های جدیدی را پیش پای مکاتب مادی و الحادی بگذاریم و آنان را به موضع دفاعی بکشانیم. این امر، نه تنها به تحکیم ایمان درونی جامعه و ارتقا‌تأب‌آوری اعتقادی آن کمک می‌کند،

که وجهه عقلانی، گفت‌وگوپذیر، صلح‌طلب و پیشروی اسلام را در جهان معاصر به نمایش می‌گذارد؛ بنابراین رویکرد تهاجمی در مواجهه با شبهات کلامی، انتخاب یک استراتژی صرفاً برای دفاع نیست، بلکه تدبیری حکیمانه برای «اقتداربخشی»، «گسترش» و «نفوذ» گفتمان ناب اسلامی در سپهر پراشتهاب و رقابتی اندیشه‌های جهان امروز است. در آخر پیشنهاداتی ارائه می‌شود:

- تدوین سند راهبردی ملی: پیشنهاد می‌شود نهادهای عالی حوزه و فرهنگ، با استفاده از چارچوب ارائه شده در این مقاله، اقدام به تدوین یک «سند راهبردی ملی رویکرد تهاجمی در مواجهه با شبهات اعتقادی» نمایند.
- پژوهش‌های میدانی و آماری: انجام پژوهش‌های میدانی برای سنجش دقیق میزان نفوذ شبهات در بین نسل جوان، شناسایی مؤثرترین کانال‌های نشر شبهات و ارزیابی تأثیر روش‌های مختلف پاسخ‌گویی.
- مطالعات تطبیقی: تحقیق در مورد روش‌های «دفاع و تهاجم فکری» در دیگر ادیان (مسیحیت تبشیری، بودیسم) و مکاتب فکری (نئومارکسیسم، پست‌مدرنیسم) برای بهره‌گیری از تجارب آنان.
- طراحی نرم‌افزارهای هوشمند: پژوهش در زمینه طراحی و تولید نرم‌افزارها و اپلیکیشن‌های هوشمند با استفاده از هوش مصنوعی برای رصد خودکار شبهات، تولید اولیه پاسخ و شخصی‌سازی ارائه محتوا برای کاربران.
- تأسیس رشته دانشگاهی: پیشنهاد تأسیس رشته‌ای دانشگاهی با عنوان «مطالعات دفاع و تهاجم اعتقادی» در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری برای تربیت متخصصان این حوزه.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق/ مصحح جمال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع-دار صادر، ۱۴۱۴ق.

۲. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم المقاییس اللغة، محقق/ مصحح عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

۳. بستانی، فؤاد افرام، مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.

۴. بهمنیار بن مرزبان، ابوالحسن، التحصیل، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.

۶. حسینی خامنه‌ای، سید علی (بیانات مختلف)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار.

۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: هجرت، ۱۴۰۹ق.

۸. خمینی (امام)، سید روح الله، کشف الاسرار، [بی نا]، [بی جا]، بی تا.

۹. جعفریان، رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران، تهران، نشر علم، ۱۳۹۰.

۱۰. دیلمی، حسن بن محمد، غرر الأخبار، مصحح، ضیغم، اسماعیل، قم: دلیل ما، ۱۴۲۷ق.

۱۱. سبحانی، جعفر، آیین و هابیت، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴.

۱۲. سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.

۱۳. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (ع)، تهران: جهان، ۱۳۷۸ق.

۱۴. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ق.

۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: اعلمی، ۱۳۹۰ق.

۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.

۱۷. مصباح یزدی، محمد تقی، تهاجم فرهنگی، تحقیق عبدالجواد ابراهیمی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، ۱۳۸۱.

۱۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ۱۳۷۲.

۱۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۲۰. المنقری، نصر بن مزاحم، وقعة صفین، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.

21. Hoffman, Frank G., *Conflict in the 21st Century: The Rise of Hybrid Wars*, Potomac Institute for Policy Studies, 2007.

22. Plantinga, Alvin, *God, Freedom and Evil*, Eerdman, 1974.

23. Liden, M., "Cognitive Biases in Religious Belief", *Journal of Cognitive Science of Religion*, 2018.

